

# داغ ننگ

چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده

اروینگ گافمن

ترجمه‌ی مسعود کیانپور



نشر مرکز

## هشت داغ ننگ

۱۲۱	.....	تکنیک‌های کنترل اطلاعات	
۱۳۲	.....	در پوش‌گذاری	
۱۳۶	.....	یادداشتهای فصل دوم	
۱۴۴	.....	<b>اتحاد گروهی و هویت خویشان</b>	<b>۳</b>
۱۴۵	.....	دوگانگی احساسی	
۱۴۷	.....	نمایش‌های حرفه‌ای	
۱۵۱	.....	اتحادهای درون‌گروهی	
۱۵۳	.....	اتحادهای برون‌گروهی	
۱۶۲	.....	چارچوب اجتماعی هویت	
۱۶۴	.....	یادداشتهای فصل سوم	
۱۶۹	.....	<b>خود و دیگری</b>	<b>۴</b>
۱۶۹	.....	انحراف‌ها و هنجارها	
۱۷۳	.....	منحرف‌عادی	
۱۷۸	.....	داغ‌ننگ و واقعیت	
۱۸۳	.....	یادداشتهای فصل چهارم	
۱۸۴	.....	<b>انحرافات و منحرفان</b>	<b>۵</b>
۱۹۱	.....	یادداشتهای فصل پنجم	

## ۱

## داغ‌ننگ و هویت اجتماعی

یونانی‌ها که ظاهراً از چشمان تیزی‌بینی برخوردار بودند، اولین بار اصطلاح داغ‌ننگ<sup>۱</sup> را در اشاره به علائم بدنی‌ای به‌کار بردند که برای اشاره به نکته‌ای غیرعادی و ناپسند در خصوص وضعیت اخلاقی فرد مطرح می‌شد. این علائم را روی بدن افراد خاصی می‌بردند و یا با سوزاندن روی پوست ایجاد می‌کردند. نشان مذکور به روشنی اعلام می‌کرد که فرد حامل آن، برده، مجرم، یا خیانت‌کار است – آدمی لکه‌دار شده، به لحاظ دینی آلوده، که به ویژه در اماکن عمومی باید از وی پرهیز کرد. بعدها در دوران مسیحیت، دو لایه‌ی استعاری به این اصطلاح افزوده شد: اولی برای اشاره به نشانه‌های بدنی عنایت الاهی که روی پوست شکل شکوفه‌های در حال باز شدن را به خود می‌گرفت؛ و دومی کنایه‌ای پزشکی و برگرفته از این کنایه‌ی اساساً مذهبی بود که به علائم بدنی ناشی از اختلال جسمی اشاره داشت. امروزه اصطلاح داغ‌ننگ به‌طور وسیعی تقریباً در همان معنای لفظی اولیه به کار می‌رود، ولی بیشتر به خود رسوایی و ننگ اشاره دارد تا به علائم بدنی ناشی از آن. از این گذشته، نوع ننگ‌هایی که توجه را برمی‌انگیزد تغییراتی کرده است. اما دانش‌پژوهان علوم اجتماعی تلاش اندکی در این زمینه داشته‌اند که پیش شرط‌های ساختاری داغ‌ننگ را توصیف کرده یا حتی تعریفی از خود این مفهوم ارائه دهند. بنابراین به‌نظر می‌رسد که در ابتدای امر باید برخی فرض‌ها و تعاریف بسیار کلی را مطرح کنیم.

است. در مقابل، آن دسته و صفاتی که در واقعیت بتوان بر خورداری از آنها را ثابت کرد هویت اجتماعی بالفعل<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند.

هنگامی که غریبه‌ای در مقابل ما قرار می‌گیرد، امکان دارد صفتی در او ببینیم که او را از دیگر اشخاص دسته‌ی پیش‌بینی شده‌اش متمایز کند و به نوعی نامطلوب‌تر نسبت دهد - حتی در حالت‌های افراطی امکان دارد او در نظر ما فردی کاملاً بد، یا خطرناک، یا ضعیف جلوه کند. بنابراین او در ذهن ما از یک انسان کامل و عادی به فردی ناقص و کم‌ارزش تقلیل می‌یابد. صفتی که توانایی انجام این کار را داشته باشد یک داغ‌ننگ است، به خصوص اگر تأثیر بدنام‌کننده‌اش بسیار گسترده باشد؛ بعضی مواقع نیز برای توصیف آن از عناوینی مثل عیب، نقص یا معلولیت استفاده می‌شود. داغ‌ننگ تفاوت خاصی بین هویت اجتماعی بالفعل و بالقوه‌ی فرد بوجود می‌آورد. البته باید توجه داشت که انواع دیگری از تفاوت‌ها هم بین این دو هویت وجود دارد، برای مثال، تفاوت‌هایی هستند که موجب می‌شوند ما یک فرد را از یک دسته‌ی اجتماعی پیش‌بینی شده به یک دسته‌ی اجتماعی پیش‌بینی شده‌ی دیگر اما به همان اندازه کاملاً پیش‌بینی شده منتقل کنیم و یا انواعی هستند که باعث می‌شوند ما برآورد خود از یک شخص را بهبود بخشیم. نکته‌ی دیگر این‌که در اینجا صحبت از تمام صفات نامطلوب نمی‌شود، بلکه تنها آن صفاتی مدنظر قرار می‌گیرند که با تفکر قلبی ما مبنی بر این‌که فلان نوع افراد چگونه باید باشند ناسازگار می‌نمایند.

پس اصطلاح داغ‌ننگ برای اشاره به ویژگی یا صفتی به‌کار برده خواهد شد که شدیداً بدنام‌کننده یا ننگ‌آور است. اما باید توجه کرد که قدرت داغ‌زنی یک صفت نه در ذات خودش، بلکه در روابط اجتماعی ریشه دارد. به عبارت دیگر، صفتی که داغ‌ننگ بر پیشانی فرد دارای آن می‌زند، می‌تواند به عادی جلوه دادن فرد دیگر کمک کند و بنابراین فی‌نفسه نه خوش نام‌کننده باشد و نه بدنام‌کننده. برای مثال، در آمریکا شغل‌هایی وجود دارند که شاغلان فاقد تحصیلات دانشگاهی آنها، «کم سواد» بودن خود را در محیط کار مخفی نگه می‌دارند، اما در مقابل، شغل‌های دیگری هم یافت می‌شوند که اگر فرد دانشگاه رفته‌ای مشغول آنها باشد، «تحصیل کرده» بودنش را همچون رازی مخفی می‌کند، تا مبادا برچسب ناشی و